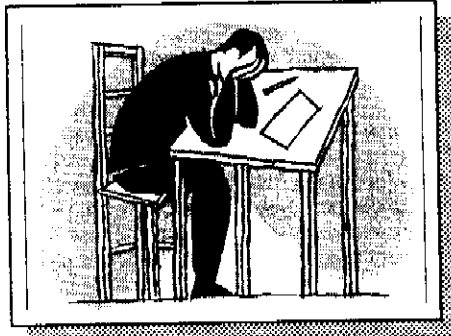


پارسی را پاس بدارید، امانه بدین روش!

نوشته مسعود فقیه



در سال‌های اخیر، باردیگر، سخن گفتن در مورد پاسداری زبان پارسی و پالودن آن از واژه‌های بیگانه‌ورد زبان‌ها و نقل محافل فرهنگی شده است. این‌که می‌گویم: یک بار دیگر، بدان سبب است که این کار تازگی ندارد، هرچند وقت یک‌بار گروهی که خود را صاحب رسالت در زبان فارسی می‌شمارند، بی‌پروا به جان این زبان می‌افتند. بدین بهانه که می‌خواهند زبان دری را با واژه‌های نوین بپیرایند و واژه‌های بیگانه را از آن بزدایند، با این کار زبان را از مسیر روند اصلی و تحول طبیعی دور می‌سازند...

تا آنجا که به یاد دارم، یک بار در زمان پهلوی اول با تأسیس فرهنگستان در سطحی گسترده به چنین کاری دست یازیدند که هدفشان دور کردن فرهنگ و زبان ایران از فرهنگ اسلامی بود و در نهایت سعی داشتند که روحانیت را در حوزه مسایل دینی محدود کنند.

بعدها نیز کسانی چون احمد کسروی و صادق هدایت به این تلاش ادامه دادند و در تمام مدت سلطنت پهلوی دوم سازمان‌هایی بدون صلاحیت به خود اجازه واژه‌سازی می‌دادند که شاید در میان همه آنها موجه‌ترینشان کمیونی بود که در ستاد ارتش برپا شده بود و واژه و اصطلاحات نظامی را که از دیگر زبان‌ها گرفته شده بود به واژه‌های نوین پاکهن فارسی برگرداند...

اینک نیز به بهانه جلوگیری از تهاجم فرهنگی غرب، گروهی به جان زبان فارسی افتاده‌اند که اگر در اندیشه، حسن نیت داشته باشند، در عمل به زبان پارسی‌گویان خواهد بود.

واژه‌هایی که در این مدت بر اثر تلاش گروه‌های یاد شده به زبان پارسی راه یافته است، اغلب در زبان فارسی ریشه دارند و با استفاده از ترکیب واژه‌ها و به کار بردن پیشوندها و پسوندها و میان‌وندها ساخته شده‌اند... اما با این وجود برخی از این واژه‌ها به سبب غرابت لفظ، دوری از معنی مورد نظر و ناهماهنگی با واژه‌های رایج در زبان، کسی به آنها توجه نکرده و نمی‌کند... (۱)

چه چیز؟ از زبان پارسی! بسیار خوب! ولی آیا می‌دانیم که زبان پارسی چرا و چگونه و به چه منظور به وجود آمده است؟ نقشش در تاریخ و فرهنگ ما چه بوده و چه هست؟ تا چه اندازه بار فرهنگی ما را بر دوش دارد و تا چه حد در وحدت ملی ما مؤثر است؟

نگاهی کوتاه و گذرا بر این پدیده که نامش زبان پارسی است بیفکنیم:

بیش از اسلام زبان‌های رسمی و نیمه‌رسمی متعددی در سرزمین ایران که از اقوام مختلف و حکومت‌های دست‌نشانده تشکیل شده بود وجود داشت.

سخن از زبان اوستایی (زبان رسمی دین حکومت - نه دین مردم) یا پارسی باستان زبان پادشاهان هخامنشی نیست. چرا که قدمت این زبان‌ها بسیار است و پیوستگی آنها با زبان پارسی دری اندک...

در دوره‌های مختلف تاریخی زبان سلسله‌هایی که غلبه پیدا می‌کردند و قدرت می‌یافتند به صورت زبان رسمی در می‌آمد...

با غلبه اشکانیان، زبان قوم پارت که ما امروزه آن را زبان پهلوی می‌نامیم و با ساسانیان به ویژه بعد از اردشیر و شاپور اول، زبان پارسی میانه (که نباید آن را با زبان پهلوی اشتباه کرد) در ایران رایج شدند و میان این دو زبان و پارسی دری ارتباط فراوان وجود دارد.

وقتی که اشکانیان از بلخ به دامغان و سپس به تیسفون آمدند، زبان خود را که از زبان‌های رایج در شرق و شمال شرقی فلات ایران بود به تیسفون آوردند. در حالی که در تیسفون طبعاً یکی از گویش‌های غرب ایران رواج داشت و مردم آن سامان با آن تکلم می‌کردند. اشکانیان ناچار بودند، زبان مردم تیسفون را بفهمند و تیسفونی‌ها ناچار بودند، زبان قوم حاکم را یاد بگیرند. این داد و ستد و آمیزش کم‌کم سبب شد که زبانی جدید پای به عرصه وجود بگذارد که در پایتخت رواج یافت و به تدریج زبان ارتباطی همه اقوام ایران گردید.

اما آنها که باقی مانده‌اند بیشتر بدان سبب بوده که مردم ناچار از به کار بردن آنها بودند. مراجعان به اداره‌ها و نهادهای دولتی چاره‌ای جز به کار بردن کلمات جدید نداشتند و به تدریج این واژه‌ها در زبان باقی ماند. (۲)

هم چنین دانشجویان و دانش‌آموزان به ناچار برخی از اصطلاحات نوین را مجبور بودند بیاموزند و از این طریق در زبان باقی ماند. (۳)

به جز این موارد، واژه‌هایی اندک را مردم با میل و رغبت پذیرفتند. (۴)

گرچه این واژه‌ها در محدوده مرزهای سیاسی رایج شده و همه اقوام ایرانی که دارای گویش‌های مختلفی هستند، بدان‌ها آشنایی دارند و چنین به نظر می‌رسد که زبان پارسی از قید واژه‌های نامأنوس خارجی در حدی وسیع رهایی یافته است، اما اثر آن در محدوده مرزهای فرهنگی و خارج از مرزهای سیاسی چندان مطلوب نبوده است.

در هر اقدامی باید نخست دید که چه می‌خواهیم بکنیم؟ و چگونه می‌خواهیم آن را انجام دهیم؟ هدفمان از این اقدام چیست؟ و بی‌آمدهای این اقدام چه خواهد بود؟

من به شخصه تردید دارم که علاقه‌مندان به وضع و ابداع واژه‌های جدید و طرفداران پاسداری از زبان پارسی به این مسایل دقیقاً اندیشیده باشند و یا اگر اندیشیده‌اند جواب منطقی و قانع‌کننده برای این پرسش‌ها یافته باشند!

از چه چیزی می‌خواهیم پاسداری کنیم؟ می‌خواهیم چه کنیم؟ پاسداری! - پاسداری از

همه جای ایران را گرفت و به عنوان زبان ملی و واحد پذیرفته شد.

حال فرض کنیم این زبان وجود نداشت، در زمانی که ترکان با قدرت شمشیر و عربها در پرتو دینی برتر در ایران رسوخ کردند، چه بر سر ایران می آمد؟!

اولین مطلبی که از نگرش دقیق در زبان پارسی دستگیرمان می شود، نقش این زبان در ایجاد وحدت ملی است، این زبان سعدی شیرازی و فردوسی توسی را به رودکی سمرقندی و نظامی گنجوی و سنایی غزنوی که اینک زادگاهشان درون مرزهای سیاسی ما نیست، پیوند می دهد، هم چنان که از کرد و لر و آذری و مازندرانی و گیلانی و بلوچ و خوزی و... یک ملت واحد ساخته است. در حالی که خرده فرهنگ های ما با یکدیگر اختلاف دارد. مردم شیراز رسومی دارند که خراسانی ها ندارند، کردها آدابشان با بلوچها متفاوت است، اما نقطه وحدت آنها زبان فارسی است همه از خواندن غزل حافظ، شاهنامه فردوسی و مثنوی عرفانی مولوی

به زبان خویش شعر می سرود، خوزی (۶)، لر و گیلانی آن را درک نمی کردند و در نتیجه هر قوم برای خویش ادبیاتی خاص پیدا می کرد و در هر ناحیه ملتی و کشوری پدید می آمد.

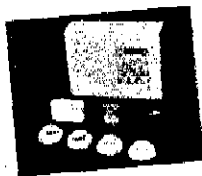
اگر ابوعلی سینا از ماوراءالنهر می آید، در خراسان، غزنین، ری، همدان و اصفهان زندگی می کند، اگر ابوریحان از خوارزم بر می خیزد، به غزنین و هند می رود، اگر ابوسهل مسیحی و ابوالخیر خمار که هر یک از ولایاتی آمده اند در دولت خوارزمشاهیان به سر می برند، مسلم آن است که به زبانی آشنا بودند که با آن می توانستند در محل جدید با مخاطبان خود تفهیم و تفاهم داشته باشند و می دانیم با آنکه تألیفات بسیاری به زبان عربی شده بود، زبان عربی زبان محاوره نبود و اگر دانشمندان این زبان را می دانستند، مردم عادی و درباریان بدان تکلم نمی کردند، چنان که یعقوب لیث به دبیر رسایل خود گفت: به زبانی که من نمی فهمم برای من چرا شعر می گویند؟!

ناچار این زبان رابط جز زبان پارسی دری چیز دیگری نمی تواند باشد.

صحبت کنند، حتی کتیبه های اردشیر و شاپور اول همه به زبان پهلوی اشکانی است و با این که خود پارسی بودند این کتیبه ها به زبان پارسی میانه نیست.

بعدها زبان پارسی میانه به صورت زبان دینی و کتابت مرسوم شد، اما فارسی دری هم چنان نقش ارتباطی خود را حفظ کرد و آن قدر در میان اقوام ایرانی ریشه دوانده بود که بعد از دو بیست سال تسلط اعراب به گفته مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب - دو قرن سکوت، هم چنان در میان ایرانیان باقی بود و به محض آن که ایرانی ها توانستند به استقلالی - حتی محدود و منطقه ای - دست یابند و خاندان های ایرانی بر خراسان و ماوراءالنهر و سیستان و بلوچستان حکومت یافتند، می بینیم، یکبار در سیستان، در بادغیس و در گورگنج که از همدیگر بسیار دور هستند و هر کدام نیز زبان محلی خود را دارند، ناگهان شاعرانی پیدا می شوند که همگی به پارسی دری شعر می سرایند. و این نشان از آن دارد که زبان رابطه، هم چنان قدرت و نفوذ خود را حفظ کرده بود.

به ایمنی بیادیدید



اگر به اطلاعاتی در مورد سیستم های

- اعلام و اطفاء حریق اتوماتیک
- اکسس کنترل
- دوربین های مدار بسته
- دزدگیر

به صورت حرفه ای نیازمندید با ما تماس بگیرید



زمینه فعالیت :

◆ تولید و عرضه لوازم و تجهیزات آتش نشانی ایرانی و خارجی



◆ ارائه خدمات فنی مهندسی آتش نشانی با استفاده از پیشرفته ترین تجهیزات زیر نظر متخصصین و کارشناسان کار آزموده



◆ طراحی، فروش و اجرای پروژه های مربوط به سیستم های اعلام و اطفاء حریق و حفاظتی کمپانی انگلستان و خدمات بعد از فروش

N شرکت نور ندا

تهران - خدایان ستارخان، فرسیده به سه راه تهران و بلا، خیابان ناکستان، پلاک ۱، تلفن: ۸۰۳۳۶۷-۹، فاکس: ۹۸۷۲۸۱

عضو رسمی سازمان بین المللی حفاظت از حریق امریکا و انگلستان

زبان پارسی دری از میانه قرن سوم هجری به بعد به صورت یک زبان ادبی و رسمی عمومیت یافت. در زمانی که مرزبان بن شروین، مرزبان نامه را به زبان طبری می نوشت، «مسته مرد» و «دیواروز» به زبان طبری عضدالدوله دیلمی را مدح می گفتند و «بندار رازی» به زبان مردم ری شعر می سرود، ناگهان زبان پارسی دری جای همه این گونه حرکت ها و آفرینش های محلی را می گیرد.

اسدی طوسی برای آشنایی بیشتر مردم آذربایجان لغت نامه فرس را می نویسد، قطران تبریزی مشکلات خود را از ناصر خسرو می پرسد (۷) از قرن پنجم هجری به بعد، زبان دری به سرعت

واژه سازی بی رویه و توجه نکردن به روح زبان پارسی، سبب خواهد شد که سخن گویان به این زبان از یکدیگر جدا شوند

اگر ایرانیان، این زبان را که متعلق به هیچ نقطه خاصی نیست و در طول زمان از همه جا مایه گرفته و غنی شده است، به عنوان زبان رابطه پذیرفتند، به سبب نیاز بود، نیاز به وحدت و همبستگی... اگر گرگانی به لهجه خود شعر می گفت و سیستانی با زبان ناحیه خود، رازی (۵) نمی فهمید و رازی نیز اگر

لذت می برند.

بار فرهنگ ملی ماروی دوش زبان فارسی است. اندیشه‌های ایرانی پیش از اسلام و آغاز دوره اسلامی را شاهنامه به ما رسانده است و در طول زمان اساطیر ایرانی و حماسه‌های ایرانی را زبان فارسی حمل کرده و به دست ما سپرده است، حتی بین اجداد و اعقاب ما، ایجاد وحدت کرده است، خود را اهل هر کجا که بدانیم از فردوسی، خیام، سعدی، حافظ، مولوی، خاقانی، نظامی و... جدا نمی‌دانیم.

این زبان، فرهنگ کهن را از اجداد به ما رسانده و ما اینک با همه آنان چه آنها که زادگاهشان و یا آرامگاهشان داخل مرزهای سیاسی امروزی ماست و چه آنان که زادگاه و آرامگاهشان در خارج از مرزهای سیاسی کنونی است، احساس ارتباط و پیوند داریم و میراث امروز ما نیز توسط همین زبان باید به دست آیندگان برسد.

می‌خواهیم از این زبان پاسداری کنیم؟! پس اولین هدف ما باید حفظ وحدت ملی و حفظ موروث فرهنگی گذشته و ارتباط فرهنگی دیروز و امروز و فردا باشد.

ما یک حلقه از زنجیری بزرگ هستیم که ناچار باید فلز آن با فلز این زنجیر یکی باشد.

هدف چیست؟

زبان یک مجموعه است که ساخته و پرداخته واژه‌های خود و دستوری است که بر آن حاکم است. اگر امروز شعر دوازده قرن پیش را می‌خوانیم و می‌فهمیم به سبب آن است که ساختار زبان چندان دگرگون نشده.

واژه‌های بیگانه در زبان چندان مهم نیست، به شرط آن‌که این واژه‌ها در قالب دستوری زبان به کار رود.

در فرهنگ هر زبان که نگاه کنیم، می‌بینیم که واژه‌های بی‌شماری از دیگر زبان‌ها بدان راه یافته است. صدها واژه فارسی و دیگر زبان‌ها در عربی وجود دارد، اما عرب‌ها واژه‌های فارسی را در قالب‌های زبانی خود به کار گرفته‌اند و ما سعی داریم که کلمات عربی را با همان حروف و تلفظ عربی به کار بگیریم.

آنها واژه‌های اخذ شده از دیگر زبان‌ها را به صورت عربی جمع می‌بندند و ما سعی داریم جمع عرب را در فارسی به کار بگیریم و حتی برخی از واژه‌های فارسی را مثلستان، میدان، استاد به صورت بساتین، میادین و اساتید به کار می‌بریم.

سخن در این مورد بسیار است، ناچار به اختصار می‌گویم: برای حفظ زبان مؤثرتر از واژه سازی، حفظ دستور زبان است و بهتر آن‌که دستور زبان فارسی را از قواعد ناسازگار عربی و دیگر زبان‌ها بزدااییم.

جمع عربی به کار نبریم، تنوین را فراموش کنیم، خصوصاً واژه‌های غیرعربی را با تنوین به کار

برای حفظ زبان، مؤثرتر از واژه‌سازی حفظ دستور زبان است و بهتر آن‌که دستور زبان فارسی را از قواعد ناسازگار عربی و دیگر زبان‌ها بزدااییم.

جهان صادر کردند. با تقطیر کشمش و خرمای تخمیر شده، رازی کشفی کرد که با زبان علمی آن روز این کشف را «الکهل» نامید و امروزه همه دنیا این کلمه را با زبان خویش الکل می‌گویند، حتی ما ایرانی‌ها نیز آن را الکل می‌گوییم. و از آن ترکیبات و واژه‌های گوناگونی ساخته شده که در همه جای دنیا کاربرد دارد. ما امروز می‌خواهیم به جای الکلست واژه جدید بسازیم، کجای این کار می‌تواند دانش امروزی ما را هم‌مطراز دانش رازی هموطن ما جلوه‌گر سازد و نشان دهد که علم هم‌چنان در ایران تداوم داشته و دارد؟! با تغییر واژه‌ها نمی‌توانیم در جهان علم و صنعت شخصیت ممتازی کسب کنیم.

افزون بر این، جوانان ما که برای کسب دانش به خارج می‌روند یا مشکل بیشتری برخوردار می‌کنند و مدتی باید صرف وقت کنند تا به جای جایگزینی‌های فارسی واژه‌های اصلی را بیاموزند. عوض کردن واژه‌هایی که از طریق علم و صنعت به زبان ما راه یافته است، هیچ چیز را دگرگون نخواهد ساخت، این تظاهرات هیچ نکته‌ی را ثابت نمی‌کند، تا زمانی که ما واردکننده علم و تکنولوژی هستیم ناچاریم هم‌چنان از واژه‌های ابداعی مراکز علم و تکنولوژی بهره بگیریم.

پی آمد این کار چیست؟

اگر آن روز که آلمان به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم شد و آن روزی که مدار ۳۷ درجه عرض جغرافیایی کره را به دو نیمه شمالی و جنوبی تقسیم کرد، با همه پیشرفت‌های علمی و با وجود رسانه‌های قوی عصر حاضر، در هر یک از این دو قسمت کشورهای تقسیم شده، می‌خواستند بدون توجه به روح زبان هر کدام به واژه‌سازی دست بزنند، این جدایی را تأیید کرده بودند و امکان وحدت مجدد را ضعیف می‌ساختند.

مرزهای سیاسی امروز ایران در حقیقت مرزهایی است که در قرن نوزدهم به علت ضعف دولت قاجار بر ایران تحمیل شده و از آن زمان سعی استعمار بر این است که این جدایی را مؤکد سازد و بهترین طریق این است که مردم مناطق جدا شده از بیکر ایران زبان جداگانه‌ی پیدا کنند. در حالی که ایرانیان اصیل، امروزه به مرزهای فرهنگی فکر می‌کنند و علاقه دارند که جدایی سیاسی موجب جدایی فرهنگی نشود. فارسی زبانان آسیای میانه، فارسی زبانان قفقاز، فارسی زبانان افغانستان، فارسی زبانان هند همگی در زبان پارسی حتی دارند که حقوقشان باید محفوظ بماند و ما به عنوان برادر بزرگتر نباید آنها را از خود و از یکدیگر جدا سازیم...

زبان پارسی می‌تواند در منطقه‌ای بزرگ از آسیا - حتی در حال حاضر - زبان ارتباطی کشورها و

نبریم (۸) مصدرهای عربی را به صورت اسم به کار ببریم و حتی با فعل معین صرف کنیم (۹) و صورت‌های تصریف عربی را در جمله‌ها نیاوریم (۱۰) آن وقت خواهیم دید که وجود واژه‌های بیگانه در زبان چندان مشکلی ایجاد نمی‌کند. (۱۱)

می‌توان از ورود واژه‌های بیگانه جلوگیری کرد و باید در برابر پدیده‌های نوین، زبان این توانایی را داشته باشد که برای هر پدیده شناسه‌ای به عنوان واژه بسازد. اما این کار زمانی ویژه دارد... اگر در آن هنگام که اتومبیل به ایران می‌آمد، بی‌درنگ آن را خودرو می‌گفتیم و برای هر قسمت آن، واژه می‌ساختیم امروزه با اشکالی برخورد نمی‌کردیم و واژه‌های جدید سبب جدایی در زبان نمی‌شد، ولی متأسفانه وقتی به فکر تغییر این واژه‌ها افتادیم که جملگی اصطلاحات و نام‌های جزء جزء این پدیده در میان اهل فن به طور کامل جا افتاده است و واژه‌های جدید مورد قبول کسانی که با این پدیده سروکار دارند، کارگران تعمیر کار و رانندگان - قرار نمی‌گیرد. نکته جالب آن است که خود آنان برای برخی از اجزاء اتومبیل که تلفظشان مشکل بود واژه‌هایی ساخته‌اند. (۱۲)

غنی بودن زبان وقتی میسر است که اهل زبان در صنعت و دانش سرآمد باشند و اقوام دیگر و ملت‌های دیگر نیازمند به کسب علم از آنان باشند. آن روز که ایرانیان در جهان علم پیش‌تاز بودند و بر یافته‌های علمی خود نام می‌نهادند این نام‌ها را به

کردن، چخیدن و چخش = مجادله کردن، دستینه = امضا و واژه‌یی چون رزمایش به معنی مانور که اخیراً وضع شده است.

۲- واژه‌هایی چون، دادگستری، دارایی، دادخواست، دادستان، شهربانی، پدافند، تک، پاتک، لجستیگی...

۳- واژه‌هایی چون بود = نومن، نمود = فنومن، برآیند، فرآیند، واکنش

۴- واژه‌هایی مثل تماشاخانه، هنرپیشه، همناوای، تک‌ناوای...

۵- اهل ری

۶- اهل خوزستان

۷- رجوع کنید به سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی.

۸- مثل: ناچاراً، دوماً، سوماً... تلفناً، تلگرافاً و...

۹- چون: استخراج کردن، امتناع نمودن...

۱۰- ترکیب‌هایی چون مستخرجه، مصوبه، مع‌التأسف، مع‌ذلک، متأسف و...

۱۱- کاری که خود در این نوشته مراعات نکرده‌ام

۱۲- چون میل‌لنگ - سرسیلندر، سگ دست و...

در این وجیزه، از تألیفات و اندیشه‌های استاد بزرگوارم روانشاد دکتر ذبیح‌الله صفا بهره گرفته‌ام.

صورت ظاهر تحمیل را بپذیرند، اما در نهایت کار خود را خواهند کرد و از چنین فرهنگستانی نتیجه مطلوب نخواهیم گرفت.

زمانی که واژه چرخبال که گویا در تاجیکستان رایج است به جای هلیکوپتر قبول شد این خوشحالی برای امثال من بیش آمد که فرهنگستان فعلی توجه به خرده فرهنگ‌های ایرانی در خارج از مرزها دارد، اما دیری نپایید که دیدیم چرخبال به «بال‌گردان» تبدیل شد.

وقتی ما نتوانسیم حتی یک واژه ساخته تاجیک‌ها را تحمل کنیم، چه‌طور می‌خواهیم آنها ده‌ها و بلکه صدها واژه جدید ابداعی ما را بپذیرند... در یک عبارت خلاصه کنم، که واژه‌سازی بی‌رویه و توجه نکردن به روح زبان پارسی که در دستور این زبان مستتر است، سبب خواهد شد که سخن‌گویان به این زبان، از یکدیگر جدا شوند و در آینده‌ای نه چندان دور زبان هم را نفهمند و ما ندانسته بر خواسته‌استمارگران مهر تأیید خواهیم زد.



پی‌نوشت‌ها:

۱- واژه‌هایی چون براغالاتین = وادار کردن و تحریک

ملت‌ها باشد و ما با واژه‌سازی این فاصله را بیشتر می‌سازیم... مردم افغانستان - در اوایل این قرن زبان ایرانیان را بهتر درک می‌کردند، اما امروز تفاوت‌های بسیاری بین این دو شاخه از زبان دری به وجود آمده است و بیشترین تقصیر در این مورد متوجه ماست. چراکه بدون توجه به آنان واژه‌هایی وضع کردیم و این قدرت و همت را نیز نداشتیم که اهل زبان پارسی را در خارج از مرزهای سیاسی از این واژه‌ها آگاه سازیم...

اینک با ادامه این روش، بر این فاصله خواهیم افزود و به دست خود خانواده فرهنگی زبان فارسی را متلاشی خواهیم ساخت.

چه باید بکنیم؟

برای آنکه بتوانیم در برابر واژه‌های وارداتی مقابله کنیم و برای آنکه بتوانیم عنصر پارسی را در زبان غالب سازیم و از نفوذ عناصر بیگانه در زبان جلوگیری کنیم نیاز به فرهنگستانی داریم که لغت‌شناسان همه اقوام دور و نزدیک فارسی در آن شرکت داشته باشند. ایران به عنوان برادر بزرگتر باید این جمع را رهبری کند نه آنکه خویش را بر آنان تحمیل نماید، چراکه آنان ممکن است به

مشاورین سیستم های کیفیت ISO-9000 و QS 9000

مدیریت زیست محیطی ISO-14000

سلامت و ایمنی غذا HACCP

شرکت تکتاز آتیه



شرکت پیشبران کیفیت

(دارای مجوز از وزارت صنایع)

تاکنون بیش از ۲۰ شرکت ایرانی شناخته شده ما را به عنوان مشاور خود انتخاب کرده اند

و موفق به دریافت گواهینامه شده اند.

ماهنامه ارتباطات در مدیریت

فعالیت‌های فرهنگی انتشاراتی :

دو ماهنامه ISO9000 و استانداردهای بین المللی

نشانی: خیابان اسناد مطهری - پلاک ۱۸۰ - طبقه اول کد پستی: ۱۵۷۵۹

تلفن: ۸۳۳۲۹۶ - فکس: ۸۳۰۶۲۴